

بررسی ارتباط فلسفه حکیم ملاصدرا با شهرسازی  
رمز شگفتی و شیفتگی در فلسفه ملاصدرا در ارتباط شهرسازی



پیام سیف الهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لین تحقیق و پژوهش به بزرگ فیلسوف و متفق جهان تسع حضرت آیت الله العظمی سید محمد خامنه‌ای تقدیم میکردد.  
امید است با رحمودهای آن مقام عالی نسبت به کاستی‌ها که از بضاعت کم علمی انجانب سرچشمه میگیرد بجزء من درگردم.

### پیام رسیف الْهی

کارشناس ارشد معماری

و دکتر رحمندسی شهرسازی

# بررسی ارتباط فلسفه حکیم ملاصدرا با شهرسازی

پیام سیف الهی<sup>۱</sup>

## چکیده

شهرسازی ایرانی اسلامی، ریشه در فرهنگی غنی دارد و دارای آثار ارزشمندی است که در طول تاریخ، تمدن بزرگ این سرزمین را نمودار ساخته است. با بررسی عمیق در زوایای شهرها می‌توان پرده از حقایقی برداشت که بر مبنای آن نکات ارزشمندی را در باب مفاهیم و اصولی متعالی که از آن نشأت گرفته است، بازشناخت در معماری ایرانی و به ویژه معماری ایرانی اسلامی، آفرینندگی جزیی از وجود انسان است، چون انسان خود آفریده خداست و از هر جهت صفات او را داراست البته در سطحی بسیار پایین‌تر، انسان عاشق خلق کردن است مانند خالق خویش، از این جهت که او خود را از این عالم جدا می‌بیند. او در هنر آفرینندگی خویش نیازهایی را جستجو می‌کند که در عالم نمی‌یابد و می‌توان ساخت اینیه و شهرها را نوعی از این آفرینندگی نام برد. در این تحقیق رابطه فلسفه حکیم ملاصدرا را با شهرسازی در زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم.

واژه‌های کلیدی: فلسفه ملاصدرا، شهرسازی، انسان، طبیعت

---

<sup>۱</sup> دکترای شهرسازی

## مقدمه

رابطه میان انسان و طبیعت در طول تاریخ بشری دستخوش فراز و نشیب های بسیاری بوده است. به عبارت دیگر در طول تاریخ برای پرسش های مطرح شده در این زمینه با پاسخ هایی یکسان روبرو نیستیم. رابطه انسان با جهان پیرامون خود چگونه است؟ کدامیک از این دو یعنی انسان و طبیعت در به جریان انداختن رودخانه زندگی سهم اساسی تری دارند؟ رابطه انسان و طبیعت (محیط زیست) در دوران باستان بر چه اصولی استوار بوده و در دوره مدرن دچار چه تغییرات و چالش هایی شده است؟ در دوران باستان، چه در تمدن های کهن شرقی و چه در نخستین طلیعه های تمدن غربی شاهد یک نوع وحدت و همخوانی بین انسان و طبیعت پیرامون خودش هستیم. در کتاب «اوپانیشادها» قدیمی ترین کتاب هندی ها عبارتی هست با عنوان «ایشاباش» و معنای آن این است که «همه چیز خداست». اما منظور اصلی از این عبارت این است که هندی های دوران باستان، تمام اشیاء جهان و طبیعت پیرامون انسان را مقدس و زنده می انگاشتند و از این رو طبیعت و محیط زیست ما دارای ارزش خاصی بوده که تخریب آن نوعی ضربه به پیکره هستی خود انسان و نظم کلی عالم به حساب می آمد. زیرا بحث اصلی همه ای آنان این بوده که طبیعت از چه چیز ساخته شده است. (مصطفی اکبری مطلق ، ۱۳۹۴) حکیم ملاصدرا را می توان آخرین حکیم متالله دانست که قطعاً قرآن را به عنوان یکی از منابع مهم معرفتی تلقی می کند و در موارد مختلف برای اثبات دیدگاه خویش بدان استناد می جوید. صдра در تبیین دقیق آیات و مفاهیم قرآنی و راهیابی به تأویل صحیح آیات مباحث مهمی را به شیوه فلسفی و اشرافی و عرفانی و فراتر از اندیشه مفسران قرآن و متكلمان و حتی فیلسوفان و عارفان مطرح می کند. صдра در روش تفسیری خود بر این باور است که باید با حفظ ظاهر به معنای نهفته در پس پرده پی برد. بر این اساس ظاهر، پل ارتباط بین انسان و اکتشاف حقایق پدیده هاست و برای رسیدن به حقیقت باید از ظاهر گذشت. ماندن در آن و گرفتار پوست و ظاهر بودن به معنای محروم شدن از معانی بلندی است که در فراسوی آن ظاهر نهفته است. شهرسازی و ساخت و ساز نیز می توان در چنین معادله ای قرار گیرد می توان از ظاهر شهر به بطن شهر پی برد از ظاهر می توان به فرهنگ و نوع معماری و منش مردم شهر پی برد. فلسفه شهرسازی و شهرشناسی نوعی چیستی و شناخت شهر را توصیف می کند. می توان با کمی تأمل و تفکر تاثیر تفکرات انسان را در نوع خلق آثار معماری و شهرسازی مشاهده کرد.

## زندگینامه صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)

محمد بن ابراهیم یحیی شیرازی، ملقب به ملاصدرا، معروف به صدرالدین یا صدرالمتألهین، بنیان گذار حکمت متعالیه، سرآمد حکماء اسلامی و یکی از بزرگترین دانشمندان جهان در فلسفه الهی و اسلامی است. وی در حدود سال ۹۷۹ یا ۹۸۰ هجری قمری در شهر شیراز متولد شد. پدرش ابراهیم بن یحیی قوامی یکی از وزرای دولت صفویه و مردی با نفوذ و ثروتمند بود که با نهایت کوشش به تربیت و تعلیم یگانه پسر خود کمر همت بست. (سید محمد خامنه‌ای ، تیر ۱۳۵۷) زندگانی ملاصدرا را می توان به سه دوره تقسیم نمود:

- ۱ - دوره طلبگی و تلمذ و بحث و مطالعه کتب قدما و آرای حکما در شیراز و اصفهان. در این دوره وی به تبع و تفحص آرای فلاسفه و کلام و فلاسفه مشائی و اشرافی اشتغال داشت.
- ۲ - مرحله تهدیب نفس و ریاضت و مکاشفه در روستای کهک (در نزدیکی قم) که نهایتاً به کشف حقایق ربانی و علوم الهی منجر گردید.
- ۳ - مرحله تألیف و تدریس در شیراز در مدرسه ای که الله وردی خان، والی فارس بنا نهاده بود. طی این دوره ملاصدرا تقریباً تمام آثار خود را تألیف کرد. ملاصدرا حکمت الهی و فلسفه اسلامی را وارد مرحله جدید کرد، وی در آنچه علم اعلیٰ یا علم کلی یا فلسفه اولی با حکمت الهی خوانده می شود و تنها همین بخش است که به حقیقت، فلسفه است و

فلسفه حقیقی خوانده می شود، مقام فلاسفه پیش را تحت شعاع قرار داد، اصول و مبانی اوایله این فن را تغییر داد و آن را بر اصولی خلل ناپذیر استوار کرد. آخوند تا پایان عمر در شیراز به تألیف و تدریس پرداخت و در این ایام هفت بار پای پیاده به مکه سفر کرد که در بازگشت از هفتمنی سفر، در بصره در سال ۱۰۵۰ هجری قمری درگذشت. (مقدمه رساله سه اصل ملاصدرا، صفحه ۶-۹)

اساتید: شیخ بهاءالدین عاملی مشهور به شیخ بهایی، میرداماد، میرابوالقاسم فندرسکی عارف و زاهد و ریاضی دان بی همتای آن عصر و...

شاگردان: ملاصدرا شاگردان بسیاری را تربیت کرد اما از مشهورترین آنها: ملامحسن فیض کاشانی و مولا عبدالرزاق لاهیجی بودند که هر دو علاوه بر داشتن سمت شاگردی، داماد وی نیز بودند.

آثار: الحکمة المتعالیة (اسفار اربعه)، شرح الهدایة، المبدأ و المعاد، حدوث العالم، المشاعر، شرح شفاء، الشواهد الروبوبیه، اجوبة المسائل، تفاسیر بعضی از سوره های قرآن کریم و... (تاریخ فلسفه اسلامی، صفحه ۲۲۸) شخصیت ملاصدرا ابعاد زیادی دارد و زندگی او یک زندگی پرماجراست. وی مانند فیلسوفان دیگر فقط یک متفسر و فیلسوف با یک زندگی متعارف نیست، معرفی ملاصدرا بعنوان یک فیلسوف برای او کم است حتی اگرچه عنوان عارف یا متخصص در عرفان نظری را هم بیفزاییم.

#### \* خصوصیات شخصیتی ملاصدرا را در چند بعد می توان بررسی کرد:

۱. از لحاظ روانشناسی و اخلاق و روح تربیت شده دینی و وارستگی او.
۲. از حیث دانش گسترده و داشتن تمام علوم زمان خود، بویژه فلسفه و عرفان.
۳. از جهت موقعیت عالی اجتماعی وی، علیرغم دشمنی افراد حسود و کم مایه یا مغرور.
۴. از لحاظ نقش او در احیاء و ترویج فلسفه و بالا بردن موقعیت فلسفه در حال زوال در ایران و فلسفه اسلام.
۵. از جهت پرکاری و ارزش علمی و کیفی و کمی تألیفات.
۶. از لحاظ شجاعت علمی و نوآوری و دفاع از افکار خود.
۷. از دیدگاه وابستگی مذهبی در ایمان دینی.
۸. از لحاظ خلاقیت و روح خلاق، قدرت استنباط مطالب دیگران، قدرت استدلال و شهود و اشراف در کنار هم. (بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۹۵)

## خانه ملاصدرا

در روستای کهک در نزدیکی شهر قم واقع شده است و به دلیل اینکه محل سکونت این حکیم بزرگ اسلامی بوده از اهمیت تاریخی زیادی برخوردار است. حکیم فرزانه جناب صدر المتألهین مدت ۱۵ سال در کهک به سر برد. خانه آن بزرگمرد الهی در کهک تاکنون باقی و در میان مردمان آبادی معروف است. خانه ملا صдра در کهک، یادگاری بازمانده از دوران سکونت این حکیم در قم است. خانه ملاصدرا در منتهی الیه غرب روستای کهک در محله چال حمام واقع است و پیرامون آن را خانه های روستایی با بافت معماری مناطق گرمسیری احاطه کرده اند و ساختمان آن به دوره صفویه مربوط می شود. برای یافتن خانه ملاصدرا کافی است به انتهای بافت سنتی روستا برویم. در انتهای یکی از مسیر های هلالی شکل روستا به خانه ملاصدرا می رسیم. ساختمان مذکور در داخل یک باغ قرار داشته که هم اکنون قسمت زیادی از آن توسط خانه های همچوار اشغال گردیده است.

پلان اصلی بنا شبستانی است چلیپایی (چهار صفحه) که گردآگرد آن را در چهار گوش، طبقه همکف و اول، حجره ها و اتاق هایی در بر گرفته اند. تزیینات بنا شامل گچبری شبے سجاده ای و مشبك های گچی در نورگیرها است. محوطه اصلی این

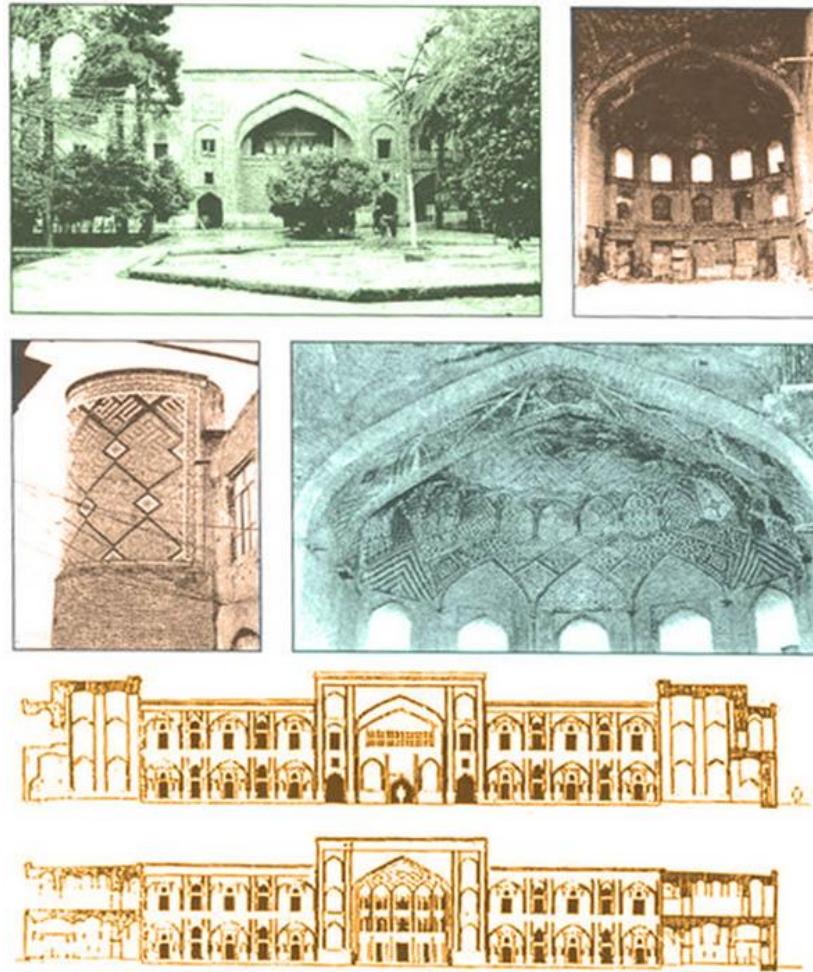
بنا سقف گنبدی شکل دارد و در راس گنبد آن، شیشه های رنگی نور را به داخل بنا هدایت می کند. در چهار طرف این محوطه چهار دهليز قرار گرفته که دو دهليز آن در تملک ديگران است و سازمان ميراث فرهنگي استان قم در صدد خريد، حفاظت و بازسازی آن هاست. خشت خام، ملات گل و سقف با تيرهای چوبی مواد و مصالح مورد استفاده در اين بناست و ابعاد خشت ها معادل  $20 \times 20$  سانتي متر می باشد و عرض ديوارها به طور معمول از دو خشت تشکيل شده است که معادل ۶۰ سانتي متر است. اين خانه داراي فضاي گيرا و قديمی با سقفی بلند و پوشش گنبدی با ديوار های سیاه و اندود گل و تزئینات گچبری ساده با کاربندي های زیبا در سقف چهار طرف آن فضاهايی چهار گوش مسقف بين تویزه های جناغی شکل که در مجموع، شبیه امامزاده های دوره صفوی است. در شرق خانه قنات نسبتاً پر آبی وجود دارد که جزیی از مجموعه خانه ملاصدرا محسوب می شود. متأسفانه قسمت اعظم بنا تخریب شده و از هشت اتاق پیرامون شبستان تنها یک اتاق باقی مانده است. دو اتاق دیگر طی تعمیرات سال ۱۳۷۷ شمسی بازسازی شد. (حمید اعلمی، بهار ۱۳۹۱) خانه ملاصدرا در تاريخ ۵ دی ۱۳۷۵ با شماره ثبت ۱۸۲۱ به عنوان یکی از آثار ملی ايران به ثبت رسیده است.



تصویر خانه ملاصدرا در کهک

## مدرسه خان شيراز

مدرسه خان شيراز به شیوه سبک شيرازی ساخته شده است و به احتمال يقین زیر نظر صدرالمثالهين ساخته شده است. سردر بسيار بلند و عريض مدرسه خان شيراز در نماي ورودي با نسبتي متناسب نزديك به مربع و با طاقمهاهایي واقع در دو سوي درگاه، خردي درگاه را در برابر عظمت سردر با کششی دلنشين جذاب کرده است که بيشرترين ارتباط را با نماي سطوح مجاور داراست. ازاره ها و طاقمهاهای سنگی جلو خان مدرسه هم در نهايit ظرافت و سادگي بنا شده و به بیننده آرامشي مطبوع می دهد. و ديد او را به راحتی به کتيبة کمرپوش سردر که مزين به آيات کريمه است، می کشاند و از آنجا به مقربنس کم نظير طاق در گستره اي وسیع می برد و ناظر از آرایش هندسى به وجود آمده در انبوهی گل و بوته، نظم عالي و دقیق طبیعت را درک و به آسمان حقیقت عروج می کند و بی اختیار زبان به ستایش می گشاید. (علياصغر سیفی، ۱۳۷۷ بهار)



تصاویر بیرونی مدرسه خان شیراز

## مکتب اصفهان

مکتب اصفهان نمادی از وحدت جهان و جلوه‌ای از بهشت موعود است. فلسفه فکری ملاصدرا و نیز اعتقادات شیعی حاکم بر جامعه صفوی که اعتقاد به جهان بزرخ دارند، در مکتب اصفهان بنحوی مطلوب منطبق و بارور شد و بر مفهوم اینکه «وجود حق تعالیٰ تنها وجود حقیقی و اصیل است» تأکید بیشتری گردید. شهرسازی برگرفته از مکتب صدرائی که در مکتب اصفهان تبلور یافته است در عین تنوع در صورت، از یک معنا سخن گفته است و در آن، اجزاء و کل همگی به مفاهیم مشترک دلالت دارند. از جمله در اجزاء معماری تمثیلاتی بصورت نقش نظم و تکرار، و نقش طبیعت و باغ و عبارتی وحدت در آندیشه خلق جامعه و بمفهومی دیگری سعی در نمایش بهشت موعود می‌باشد که در مکتب اصفهان و مبنی بر مکتب صدرائی در عصر صفوی بصورت چشمگیری محقق گشته است.

سبک اصفهان تحقق آرمانشهر دولت صفوی در بوجود آوردن تعادل بین شهر - قدرت، شهر - بازار، شهر - سرمایه، شهر - ایوان و شهر - منطقه را باعث گردید. اسطوره تأثیر گذار در معماری و شهرسازی مکتب اصفهان، شیخ بهایی عاملی و اسطوره‌های تأثیر گذار در فلسفه و کلام مکتب اصفهان، میرداماد، میرفندرسکی، ملا محسن فیض کاشانی، مجلسی دوم و صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) بوده اند. کار بزرگ شیخ بهایی این بود که بی اعتباری همه علوم را در برابر عرفان نشان داد، آن هم در حالی که خود در اکثر علوم مرتبه استادی داشت و در برابر آثارش بر رجحان شهود به معرفت استدلالی، تأکید نمود. آثار او کوه توازنی میان علوم ظاهری و علوم باطنی بوده است. در مکتب اصفهان، شهر در محیط پیرامونی مستحیل می‌شود و از اینرو در توافق کامل با طبیعت پیرامونی خویش و همچنین در توافق همزیستی و وحدت چند سویه با روستاهای اطراف

خود است. جهان بینی متکی بر مفاهیم عرفانی، سلسله مراتب فضائی از بزرگترین مقیاس تا کوچکترین مقیاس کالبدی را بکار می‌گیرد و در هر مقیاس سعی در اشاره به اصل وحدت بخش جهان می‌کند.

مکتب اصفهان در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر محور آن قرار دارد. اصل تعادل و توازن، تعادل فضائی و توازن کالبدی و هماهنگی و هم آوای عناصر متباین در معرفی یک مفهوم، و به دلیل اصل تقارن در کلان مفهوم نمی‌یابد و در ذره فضاهای بکار گرفته می‌شود. در مکتب اصفهان بجای مقیاس‌های کلان، فضای انسانی مطرح و متبول می‌شود و انسان بی‌هیچ ترس و هراسی از مقیاس، از این فضاهای می‌گذرد و در محاوره‌ای فضائی هستی شناختی، با آنها قرار می‌گیرد. با عنایت به مفهوم «عالم همه منظر اوست» هر نقطه در شهرسازی و معماری مکتب اصفهان، روزنه‌ای برای عبور از موجود به مستور باز می‌شود. مکتب اصفهان بجای ایجاد بناها و فضاهای سلطه گرا، بنحوی آفرینش می‌کند که خود به یادمان تبدیل می‌گردد و موفق به ایجاد بناها و مجموعه‌های می‌شود که سخت مردم وارند. دستور زبان مکتب اصفهان بر مبنای چهار نظم مادی زمین، آب، خاک، گیاه و هوا با یک نظام معنایی آسمانی (نظم مقدس) شکل می‌گیرد و سعی در بیان آن دارد که آنچه اعتبار دارد و ثابت می‌ماند محتوا و ماهیت امر است. ([www.isfahan.ir](http://www.isfahan.ir))

## باغ ایرانی و هنر مند ایرانی

آفرینش هنری انسان و پیوند هنر با ماوراء الطبیعه از دیدگاه ملاصدرا: در مورد آفرینش هنری انسان دو پرسش اساسی مطرح می‌شود که پاسخ ملاصدرا به این پرسش‌ها می‌تواند ما را به سوی پاسخ موردنظر خود در مورد هنرها به طور عام و باغ سازی ایرانی به طور خاص رهنمون شود:

الف: اساساً چرا انسان خلاق است و می‌تواند به خلق اثر هنری پیردازد؟

ب: انسان وقتی به دنبال پاسخی می‌گردد که با سؤالی مواجه شده باشد. هنر پاسخ به کدام پرسش است و انسان در جستجوی چه نیازی است که به خلق آثار هنری می‌پردازد؟

از بحث‌های ملاصدرا در مورد این دو سؤال می‌توان به پاسخ‌های زیر دست پیدا کرد:

هنر نحوه وجود آدمی است و انسان از آن جهت هنرمند است که مظهر اسم خالق، مبدع، مصور، جمیل، یحب الجمال، مرید، قادر، عالم و ... است و این مظاهر در وجود انسان نه به خواست و اختیار و انتخاب او، که به تقدير و تکوین الهی محقق شده است. بنابراین این مظاهر نسبت به خود هنرمند، آن هنگام که استعدادهای هنری او به فعلیت رسیده است، تقدم وجودی و اعلی دارد.

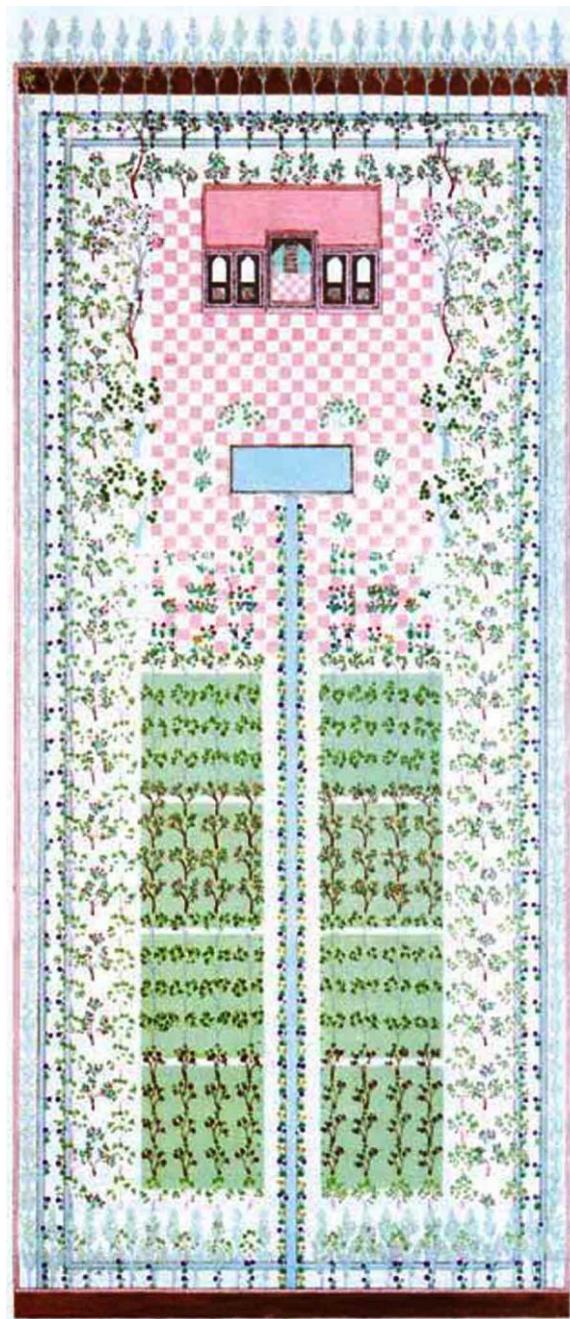
ملاصدرا خلقت را فعل هنری خداوند و عالم و انسان را اثر هنری او می‌داند. در واقع او با این بیان هنر را فراتر از انسان برده، در عین حال که آن را نحوه وجودی انسان می‌داند. ملاصدرا حقیقت هنر را در ساحت انسانی، جلوه‌ای، مثالی و مجازی از اصل حقیقت هنر در ساحت روبی دانسته است.

ملاصدرا می‌گوید که انسان از هر حیث مثال خداوند است و عوالمی که خدا و انسان دارند نشان دهنده این موضوع است. همانگونه که خداوند دارای عالم غیب و شهادت، خلق و امر و ملک و ملکوت است، انسان را نیز به گونه‌ای خلق کرده که دارای این دو نشئه وجودی باشد؛ یعنی او نیز دو عالم خلق و امر را داشته باشد: عالم امر، عالم «کن فیکون» است؛ عالمی که صور در آن بدون نیاز به مواد و مصالح و بدون آلات و ابزار و ادوات و به نحو ابداعی و دفعی و نه تدریجی و زمانی، محقق می‌شوند. در چنین عالمی، اراده همان ایجاد است. از نظر ملاصدرا عالم خیال هویت امری دارد. برای مثال، می‌توانیم در عالم ذهن خود، هر چیزی را با هر شکلی و خصوصیتی خلق کنیم. پس عالم ذهن نیز عالم «کن فیکون» است. یعنی هویت امری دارد.

در مورد سؤال دوم نیز ملاصدرا به پیوند هنر با ماوراء الطبیعه اشاره می‌کند. فلسفه هنر چیزی جز این نیست که انسان نیازهایی دارد که طبیعت از برآوردن عاجز است. انسان از آنچه هست راضی نیست. در طبیعت تنها و تنها با طبیعت بودن، باعث احساس کمبود می‌شود و از اینرو او در صدد جبران بر می‌آید.

«بیگانگی» یعنی انسان (چه دارای اعتقادات مذهبی باشد و چه غیر مذهبی) ذات خودش را از عالم جدا و ناهمانگ می‌بیند و

احساس می کند که یک جوهر دیگر است و احساس کمبود می کند از آنچه هست و مکانی که در آن قرار گرفته است. نسبت به طبیعت احساس بیگانگی می کند و نتیجه آن اضطراب و دغدغه است. این احساس و این زمینه روحی، دو احساس لاینفک از هم را به وجود می آورند: گریز و نفرت از یک طرف و عشق، شوق و آرزو طرف دیگر؛ یعنی گریز از این دنیایی که هست بد دنیایی که باید باشد.» پس انسان آرزویش را در هنرها جلوه گر می سازد. آرزو را می سراید، بنا می کند، می نگارد و... .  
 (سید مهدی امامی جمعه، زهرا اهری، نسرین فقیه، ۱۳۹۱)



"چهارباغ" بر اساس رساله هروی (چهار باغ استعاره‌ای است از جهان خلقت)  
 کلمه "چهارباغ" معادل نقشه باغی که به وسیله جویها به چهار بخش تقسیم شده، نیست؛  
 بلکه استعاره‌ای از عالم خلقت است. (علمی - ۱۳۹۰ زستان)

**معماری، عشق، فلسفه**

مبانی نظری، مجموعه ای از رویکردهای فکری متفاوت می باشد که در عین حال به شناخت و استدلال تک تک این افکار و همچنین نقد و بررسی تاثیر آنها در ابعاد گوناگون هنری می پردازد. این رویکردهای فکری همواره در گذر زمان دستخوش تغییرات، تکامل و انقرض قرار می گیرند و به نوعی به مقابله با تفکرات هم عصر خود می پردازند.

"معماری همانند مثلثی می ماند که عشق و فلسفه رئوس دوم و سوم آن را تداعی می کنند و همه مفاهیم دیگر زندگی در خلق یک اثر معمارانه به گونه ای با این دو پیوند می خورند."

معماری به تنها ی دارای قلمرو وسیعی است که این قلمرو نه تنها مصالح را در بر می گیرد که دارای مفاهیمی ارزشمند است که برای شناخت و دستیابی به این مفاهیم، ناگزیر به استنباط فلسفه و متعاقب آن شناخت ماهیت عشق در هنر می باشیم. اصولاً "برای درک آثار هنرمندانه، حواس نه تنها کافی نیست بلکه نقش ناچیزی ایفا می کنند که برای درک هنر ادراک عقلی و قلبی هر دو لازم است. دریافت عقلی از طریق فلسفه‌ی موجودیت و بعد قلبی و معنوی با باور به تاثیر گذاری شیفتگی و شیدایی هنرمند در آفرینش میسر خواهد بود.

این ادراک عقلی و قلبی منجر به القاء عمیق مفاهیمی است که فقط و فقط در آثار هنری امکان بروز آن وجود دارد و این مفاهیم در هنر و از جمله معماری که نمونه‌ی بارز آن می باشد تجلی می یابد. ابهت و شکوه این درک، جذب نا خودآگاه در اعمق ضمیر باطنی است. همانگونه که در خلقت همه می هستی روح شیفتگی دمیده شده است، هنرمند معمار نیز در خلق معماری واجد این صفت گشته و اکسیر عشق به آفرینش را به موجودیت اثر منتقل می کنند. چنانچه این روح در عین حال توسط مخاطب دریافت می شود و میزان این درک نیز بستگی به تعالی روحی دارد که منجر به شگفتی و شیفتگی می گردد. دو بعد اساسی فلسفه عبارت است از ماهیت یک پدیده و روش شناخت آن ماهیت. همانگونه که، بر این مگی در کتاب سرگذشت فلسفه بیان می کند "جريان اصلی تاریخ فلسفه تحول این دو مبحث و کلیه مباحث فرعی برآمده از آنها، طی قرن هاست."

### «به عبارتی دیگر فلسفه گستره‌ی اصالت است»

با نگاهی به آغاز زندگی انسان در نخستین غارها و پناه‌گاه‌ها و تکامل تدریجی این سرپناه‌ها در ژرفای تاریخ تا به امروز، ناگزیر به باور این حقیقت می‌رسیم که معماری و فلسفه دو مقوله‌ی لاینفک در روند تکامل آدمی بوده‌اند. خود فلسفه به علت ماهیتی که در رابطه با شناخت و تفکر سرشار دارد حائز اهمیت می‌باشد و در پیوند با معماری که موجودیت خود را از خلقت و آفرینش کسب می‌کند افقی از یافته‌های اصیل فکری و عملی را در برابر دیدگان هر انسان اندیشمند به نمایش می‌گذارد. به جرات می‌توان گفت در هیچ برده‌ای از تاریخ کهن زندگی آدمی، هیچ اثر معماری و هنری پدید نیامده است مگر به پشتونه‌ی تفکری فلسفی که لروم موجودیت آن اثر را تایید و تفسیر نماید. در این میان البته که حساب همه می‌آثاری که یا به طور تصادفی و یا در تبع کنشی اجبار گرایانه نمود یافته و شکل کالبدی به خود گرفته اند جدا می‌باشد؛ چرا که نمی‌توان نام آثار هنری را بر آنها اطلاق کرد و مثال آن خیل عظیم سکونتگاه‌های متفاوتی است که در شهرهای امروزی چون گیاهان هر ز قد علم کرده اند بی‌آنکه روح و هویت معماری در آنها نهفته باشد و نهایتاً تاثیر مستقیمی روی شهرسازی می‌گذارد. ارتباطی که بین معماری و فلسفه‌ی وجودی آن موجود است، یک تقابل دو طرفه بوده و در این تقابل است که ساختار یک اثر معماری شکل گرفته و تعریف می‌شود.

اما فلسفه‌ی معماری چیست؟ فلسفه‌ی معماری دربرگیرنده‌ی همه مفاهیم معنوی و بنیادی ذهن معمار است که به موازات ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی در یک بنا شکل می‌گیرد و به تمام پرسش‌های اصیل در پیدایش، نقد و بررسی بنا پاسخ می‌دهد. به عبارتی معماری تنها شامل آنچه به صورت بصیری دریافت می‌گردد نیست؛ بلکه اشکال هندسی و تناسبات هنرمندانه و فرم‌های انعطاف‌گرایانه و حتی حرکت‌های متضاد و خشن عناصر، دربرگیرنده‌ی پیامی ناب از تفکر و ذهنیت هنرمند و حتی دغدغه‌های مردمان هم عصر اویند که به طرزی ماهرانه و رمزآلود در یک اثر گنجانیده شده و ندای درونی و ذهنی سازنده‌ی خود را در قالب معماری به مخاطب القا می‌نماید. رسالت فلسفه کمک به باز نمایاندن رموز هنری و ذهنی هنرمند و یاری مخاطب در فهم پیام و انگیزه‌ی آفریننده‌ی اثر و استنباط حضور وی در پدیده‌ی حاضر می‌باشد.

## اما جایگاه معنوی عشق در توجیه فلسفه گرایانه‌ی معماری چیست؟

- بر طبق مبانی نظری موجود "ماهیت هنر به اعجاب و حیرتی است که در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و شخص را به پرستش می‌طلبد."
- صوفیان بر این باورند که اساس جهان هستی بر عشق نهاده شده است و همه‌ی تلاش و جوششی که از آغاز تا پایان خلقت وجود دارد به این مناسبت می‌باشد. و در نتیجه معتقدند کمال واقعی را باید در عشق جستجو کرد.
- به گفته‌ی ویل دورانت در لذات فلسفه، "عشق و مهر ما از اشخاص گذشته به اشیا گسترش می‌یابد و همین خاکی را که در آن قدم می‌نمیم نیز زیبا می‌گرداند و سرانجام به شیفتگی خلاق هنر منتهی می‌گردد..."
- جریان باطنی نیروی عشق برانگیزاننده‌ی شوق خلاق هنرمند است.
- کسی که در مقوله‌ی هنر از عشق سخن می‌گوید آریتدوموس است، از نظر او بدون عشق هیچکس نمی‌تواند کار بزرگی انجام دهد. تنها عاملی که در انسان انگیزه و قدرت لازم برای خلق آثار هنری فرا انسانی را به وجود می‌آورد نیز همان عشق است.
- برتراند راسل هم معتقد است عشق به روح انسان عظمت و شخصیت می‌بخشد، به طوری که همه‌ی شاهکارهای دنیا از عشق زاده‌اند. (ندا نجف سلیمانی، ۱۳۸۹)

## شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم

خدای متعال برای حل تمام مشکلات زندگی در قرآن کریم راهنمای هایی را معمول کرده است. از آن جمله ویژگیهای یک شهر اسلامی را به لحاظ معماری و شهرسازی نمایانده است. یکی از مهمترین دستاوردهای فکری، فلسفی، هنری و تولیدی تمدنها و جوامع بشری «شهر» است که هم از ماندگاری نسبی برخوردار می‌باشد، هم تجلی باورها و ارزشهای فرهنگی جامعه است و هم اینکه بر رفتار انسان اثر می‌گذارد و ضمن آنکه بیانگر هویت جامعه جهانیان و تاریخ است، تنظیم کننده روابط آحاد جامعه با یکدیگر نیز می‌باشد. (دکتر محمد نقی زاده، ۱۳۹۴ تیر)

## طبیعت و عناصر طبیعی

تعالیم قرآنی عناصر طبیعی را آیات و نشانه‌های قدرت و علم الهی و ابراز و وسیله شناخت اصولی چون توحید و معاد می‌شمارد. همه اینها لزوم ارتباطی نزدیک و مداوم بین انسان و طبیعت را ضروری می‌نماید تا امکان بهره‌گیری از این آیات الهی و تفکر در آنها فراهم آید. برخی از آیاتی که از عناصر طبیعی و نقش آنها در حیات و زندگی مادی و معنوی انسان سخن گفته‌اند.

## نور

نور پدیده‌ای است که در تعالیم قرآنی به عنوان نماد و نشانه بسیاری وجود و مفاهیم والا و زیبا معرفی می‌گردد؛ از جمله خداوند:

- الله نور السموات والارض... [نور «وجود بخش» آسمانها و رمین است...]
- پیامبر اکرم(ص): یا اهل الكتاب قد جائكم رسولنا بیین لكم کثیراً مما کنتم تخفون من الكتاب و یعفول عن کثیر قد جائكم من الله نور و کتاب مبین [ای اهل کتاب رسول ما آمد تا حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی](تورات و انجیل) را از جانب خدا برای هدایت شما نوری و کتابی آشکار آمد).

- قرآن: فامنوا بالله و رسوله و النور الذى انزلنا و الله بما تعملون خبیر [أغابن/٨]: (پس به خدا ایمان آرید و به رسول او نوری که «در آیات قرآن» فرستاده ایم، بگروید و خدا به هر چه کنید، آگاه است).
- هدايت و ايمان: الله ولی الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى النور...[بقره/٢٥٧]: (خدا یار اهل ایمان است . آنان را از تاريکى‌ها بیرون می‌آورد و به عالم نور می‌برد...)
- بياني: و ما یستوى الاعمى و البصير، و لا الظلمات و لا النور [فاطر/١٩ و ٢٠]: (و هرگز «کافر تاريک جان» کور با «مؤمن روشن روان» بینا یکسان نیست. و تاريکى‌ها با نور مساوی نخواهد بود).
- بنابراین باید توجه کرد که فضاهای شهری بتوانند اولاً به طور مناسب از نور بهره ببرند و ثانیاً به طرق مناسب انسانها را متوجه نور سازد؛ چرا که اگر فی المثل انسان در محیطی کاملاً نورانی قرار گیرد که منابع نور مشخص باشند و نه حتی سایه‌ای وجود داشته باشد، متوجه نور نخواهد بود. لذا لازم است که با ایجاد درجات مختلف نورانیت و بهره‌گیری از جهات مختلف برای تابش و تکنیکهای دیگر می‌توان مداماً انسان را به وجود نور متذکر گرداند. فقدان نور نیز سایه است که خود معانی والای را در خود مستتر دارد. (ترجمه‌ی قرآن مجید، مهدی الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۶)

باد

(هوا) علاوه بر نقشی که در تدوم حیات بسیاری از موجودات موجود در کره زمین دارد، نقشهای مهمی نیز در تنظیم شرایط اقلیمی (حرکت ابرها)، انتقال آلودگیها، تلکیح گیاهان، بشارت دهنده‌گان رحمت الهی، آیه الهی بودن، و همچنین نزول عذاب الهی دارد.

#### برخی از آیات بیان کننده ویژگیهای باد عبارتند از:

- و ارسلنا الرياح لواح فانزلنا من السماء ماء فاسقينا كمه و ما انتم له بخازنين [حجر/٢٢]: (و ما بادهای آبستن کن رحم طبیعت را فرستادیم و هم باران را از آسمان فرود آوریم تا به آن آب سما و نباتات و حیوانات شما را سیراب گردانیدیم (و گرنہ) شما نمی‌توانستید، در منبع سازید).
- و هو الذي ارسل الرياح بشرأً بين يدي رحمته...[فرقان/٤٨]: (و او خدایی است که بادها را برای بشارت پیشاپیش رحمت خود فرستاد...).
- وفي عاد اذ ارسلنا عليهم الريح العقيم [اذاريات/٤١]: (ونیز در قوم عاد که بر هلاکشان تندباد خزان فرستادیم، عبرت خلق است).

لذا در ساخت و توسعه شهرها و جهت‌های وزش باد و به شدت آن در ایام مختلف توجه نمود . ضمن آنکه نحوه استقرار و جهت‌گیری ابنيه و تنظیم ارتفاع عمارات و مکان‌یابی ساختمانهای کوتاه و مرتفع در نقاط مختلف هر شهری به همراه توجه به جهت معاشر و نسبت بین فضاهای باز و ساخته شده مواردی هستند که در رابطه با مختصات باد باید مورد ارزیابی جدی قرار گیرند. در قرآن کریم آمده است: وجعلنا من الماء كل شيء حي [أنبياء/٣٠]: (و از آب هر چیز زنده‌ای را پدید آوردیم).

این آیه معانی نمادین والای را در خویش مستتر دارد، از جمله:

بهشت: و بشر الذين امنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجري من تحتها الانهار... (بقره/٢٥): (و مژده ده ای پیغمبر کسانی را که ایمان آورده‌اند و نیکوکار شدند. به یقین آنها راست باگهایی که در آنها نهرهای آب جاری است).

زندگی: ... و ما انزل الله من السماء من رزق فاحيا به الارض بعد موتها (جاجیه/٥): (و آنچه خدا از آسمان برای روزی خلق از برف و باران می‌فرستد و زمین را پس از (خزان) مرگ دیگر بار زنده می‌سازد...)

- پاکی: ... و انزلنا من السماء ماء طهورا (فرقان/٤٨) (و از آسمان آبی طاهر و مطهر برای شما نازل کردیم).
- زیبایی و آبدانی: و هو الذي انزل من السماء ماء فاخرجننا به نبات كل شيء فاخرجننا منه خضرأً نخرج منه حبا متراکما و من التخل من طلعها قنوان دانية و جنات من اعناب و الزيتون و الرمان مشتبها و غير مشتبها و غير مشابها انظروا

الی ثمره اذا اثمر و ينفعه ان فی ذلکم لایات لقوم يؤمنون(انعام/٩٩): (و خم اوست خدایی که از آسمان باران فرو بارد تا هر نبات بدان برویانیم و سبزهها را از زمین برون آریم و در آن سبزهها دانههایی که بر روی هم چیده شده پدید آریم و از نخل خرما خوشههای پیوسته به هم برانگیزیم و باغهای انگور و زیتون و انار که برخی مشابه یکدیگر و برخی نامشابه به هم است، خلق کنیم).

شما در آن باغها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد به چشم تعقل بنگرید که در آن آیات و نشانههای قدرت خدا برای اهل ایمان هویداست).

- رافع و عطش:... فائزلنا من السماء ماء فاسقيناكموه... (حجر/٢٢): ... و هم باران را از آسمان فرود آوردیم تا به آن آب، این عنصر نمادین و حیاتبخش را به صورتهای جاری و ساکن در فضاهای مختلف شهری توصیه نمود.

## خاک

خاک ماده اولیه خلقت انسان و همچنین جایگاه نهایی برای انسان، از عناصری است که تقریباً همه نیازهای مادی انسان را در خویش نهفته داشته و آنها را به انسان می‌رساند. از طرف دیگر در برخی موارد همچون تطهیر (وضو و غسل) می‌تواند، جایگزین آب و عامل پاکی و آمادگی انسان برای انجام فرائض دینی‌اش شود. خاک سجده‌گاه انسان است و تماس با آن بدان حد اهمیت دارد که در مواردی بجای آب قرار داده شده است؛ لذا از بسیاری جنبه‌های آن می‌توان بهره گرفت. ساده‌ترین راه ایجاد تماس با آن در باغها و بوستانهای عمومی شهری و فضاهای باز خصوصی و عمومی است. (ترجمه‌ی قرآن مجید، مهدی‌الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۶)

## سایر عناصر

عناصر دیگر مانند گیاهان، جانوران، کوهها، آسمان و آنچه در آن است مانند ماه و خورشید و ستارگان (ق/۱۰-۶) برای شهر باید اینگونه باشد که محیط به گونه‌ای ساخته شود که بهره‌گیری از این عناصر و تماس با آنها در حد لازم ممکن گردد. اینها نه تنها برکات مادی دارند؛ بلکه عاملی درجهت تقویت تفکر و تذکر هستند. همچنین عوامل آگاهی به زمان و مکان و جهت نیز هستند (یونس/۳)

ممکن است این ایراد مطرح شود که برخی از این عناصر طبیعی، دور از دسترس انسان بوده و نمی‌توانند نقشی در شهرسازی ایفا نمایند. در پاسخ می‌توان گفت که موضوع مهم، فراهم آوردن امکان رؤیت آنها و همچنین بهره‌گیری از ویژگی‌شان چون نور و موقعیت و درک زمان و تاثیرشان بر زمین و انسان وسایر موارد مشابه است. این توجه، فی‌المثل در این موارد تاثیرگذار است: میزان استفاده از نور مصنوعی در اینیه، در ابعاد و اندازه و جهت بازشوها؛ نوع انرژی حرارتی و برودتی؛ تعیین درجه آلودگی جوی و در بسیاری موارد دیگر.

## قوانين طبیعی

قوانين حاکم بر عالم طبیعت و حاصل اعمال این قوانین اولاً در متون اسلامی به عنوان علم و قدرت و وحدانیت الهی برای تفکر و تعقل و تذکر و تفقه و تدبیر مورد اشاره قرار گرفته‌اند و ثانیاً همواره الگوی انسانهای آگاه بوده‌اند. اهم این قوانین عبارت است از: وحدت، تعادل، نظم، هماهنگی، زیبایی، توازن، حساب و امثال‌هم که پیش از این ذکر آنها به میان آمد.

## عناصر شهری و معماری

در هر شهر و در هر عمارتی، عناصر بسیاری وجود دارند که هر کدام به طور مستقل و نسبت به سایر عناصر، هویت و ویژگیهای خاص خود را نیز طلب می‌نمایند. فی امثل مختصات و ویژگیهای مسجد با مسکن متفاوت خواهد بود. به هر حال سعی بر این است تا در این قسمت آیاتی که به عناصر شهری یا معماری اشاره داشته و یا می‌توان از آنها در تبیین مختصات این عناصر بهره‌گرفت، به عنوان راهنمای مطالعات بعدی معرفی شوند.

### مسکن

در مورد مسکن موضوعات متنوع و مختلفی مطرح است. آیات قرآن کریم به برخی از آنها اشاره دارند که اینک به آنها پرداخته می‌شود.

**محل آرامش:** قرآن مسکن را محل آرامش می‌خواند: والله جعل لكم من بيوتكم سكنا... (نحل/٨٠): (و خدا برای سکونت دائم شما منزلهایتان را قرار داد...). این آیه نشان می‌دهد که مکان‌یابی مسکن در شهر امری حساس است. به بیان دیگر، توجه به این اصل در مکان‌یابی مسکن در شهر و رابطه و همچواری آن با عملکردهای پر سر و صدا و مولد آلاینده‌ها همچون کارخانه‌ها و معابر اصلی و نظایر آنها و هر آنچه که به آرامش انسان خدشه وارد نماید، نقش مهمی ایفا می‌کند. این امر همچنین به نوع استفاده از مصالح و استقرار فضاهای داخلی و رابطه آنها با یکدیگر تاثیر دارد.

**آفتابگیری و مناسب:** در قرآن در خصوص غار اصحاب کهف آمده است: و ترى الشمس اذا طلعت تزوال عن كهفهم ذات اليمين و اذا غربت تقرضهم ذات الشمال و هم فى فجوة منه ذلك من آيات الله... (كهف/١٧): (و گردش آفتاب را چنان مشاهده می‌کنی که هنگام طلوع از سمت راست غار آنها بر کنار و هنگام غروب نیز از جانب چپ ایشان دور می‌گردید و آنها کاملاً از حرارت خورشید در آسایش بودند این حکایت یکی از آیات الهی است...). آیه نشان می‌دهد که جهت‌گیری ابینه به نحوی که بتواند بهره مناسب را از آفتاب و نور خورشید ببرند، اهمیت دارد.

**رعايت حقوق همسایگان:** زمینه رعایت حقوق همسایگان نیز از اموری است که توسط طراح مسکن باید مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، طراح مسکن بایستی به ایجاد محیطی بیندیشد که در آن زمینه تضییع آگاهانه و ناگاهانه حقوق همسایگان توسط ساکن از بین برود.

**محل ذکر:** علامه طباطبائی(ره) بیان می‌کند: «خانه‌ای که ذکر خدا در آن خانه برای اهل آسمانها آنچنان درخشش‌ده است که ستارگان برای اهل زمین» (سید محمد حسین علامه طباطبائی، ۱۳۷۴)

## نتیجه

هنگامی که نوبت به ملاصدرا می‌رسد ما نه تنها شاهد تلفیق مکاتب فکری اسلامی مختلف بلکه، علاوه بر آن، شاهد تلفیق دیدگاه‌های پیشین در باب معنا و مفهوم لفظ فلسفه هستیم عالم مثال یک واقعیت عینی و عالم کبیر مستقل و مجزا از انسان دارد. او تأکید می‌کند که این جهان، واقعیت بیشتری از جهان مادی دارد. هنر نحوه وجود آدمی است و انسان از آن جهت هنرمند است که مظہر اسم خالق، مبدع، مصور، جمیل، یحب الجمال، مرید، قادر، عالم و ... است و این مظاہر در وجود انسان نه به خواست و اختیار و انتخاب او، که به تقدیر و تکوین الهی محقق شده است. بنابراین این می‌توان در شهر سازی اسلامی و باغ‌های ایرانی و شهر‌های اسلامی تاثیر فلسفه را به صورت روشن دید و به نحوه جهان بینی معماران و شهرسازان را در دوره‌های مختلف تاریخی مورد بررسی بیشتر قرار داد.

آیات قرآن برای طراحی و ساخت محیط زندگی جزئیاتی را که مربوط به امور فنی و تکنیکی هستند (به ظاهر) معرفی نمی‌نماید؛ لکن اصولی را مطرح می‌کند که این اصول باقیستی در تمام شئون زندگی انسان و از جمله ساخت شهر و محیط زندگی لحاظ گردند. این لحاظ نمودن، سبب خواهد شد که علیرغم اینکه شهرهای مسلمین در نقاط جهان و در شرایط اقلیمی متفاوت و امکانات و مصالح گوناگون بنا می‌شوند، دارای روح و هویت مشترک و واحدی باشند. تبیین مبانی نظری شهر سازی اسلامی بر اساس تعالیم قرآنی یک ضرورت است. از این مبانی نظری در صورت تدوین شدن، معیاریهایی قابل استخراج خواهند بود که چنانچه در دسترس عموم بویژه طراحان و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیریندگان قرار گیرد، امکان ارزیابی طرحها و برنامه‌ها، بافت‌های شهرهای تاریخی و متاخر، و ایده‌ها و الگوهای وارداتی فراهم خواهد شد.

## منابع و مأخذ:

۱. مصطفی اکبری مطلق. (۱۳۹۴، فروردین ۱۷). بازیابی از <http://www.seppidar.ir>
۲. محمد خامنه‌ای . (۱۳۵۷ تیر). نگاهی به زندگی - شخصیت و مكتب صدرالمتألهین (۴). خردنامه صدرا.
۳. مقدمه رساله سه اصل ملاصدرا، صفحه ۶-۹ . (بدون تاریخ). بازیابی از <http://daneshnameh.roshd.ir>
۴. تاریخ فلسفه اسلامی، صفحه ۲۲۸ . (بدون تاریخ) بازیابی از <http://daneshnameh.roshd.ir>
۵. بنیاد حکمت اسلامی صدرا. (۱۳۹۵) .بازیابی از [www.mullasadra.org](http://www.mullasadra.org)
۶. حمید اعلمی. (بهار ۱۳۹۱). راهنمای مصور ایرانگردی. موسسه کتاب سرای اعلمی
۷. علی اصغر سیفی. (۱۳۷۷ بهار). مدرسه خان ، مدرس ملاصدرا و جلوه گاه حکمت متعالیه. شماره ۱۱ ، ۶۵
۸. بازیابی شده از [www.isfahan.ir](http://www.isfahan.ir)
۹. سید مهدی امامی جمعه، فلسفه هنر در عشق شناسی ملاصدرا بازیابی از [www.architects.ir](http://www.architects.ir)
۱۰. نسرین فقیه، مجموعه مقالات همایش باغ ایرانی بازیابی از [www.architects.ir](http://www.architects.ir)
۱۱. مهوش عالمی مجله منظر، شماره ۱۷ ، زمستان ۱۳۹۰ [www.architects.ir](http://www.architects.ir)
۱۲. زهرا اهری، شهرسازی مکتب اصفهان بازیابی از <http://architecturevision.loxblog.com>
۱۳. ندا نجف سلیمانی. (۱۳۸۹). معماری ، عشق ، فلسفه. بازیابی از [www.architects.ir](http://www.architects.ir)
۱۴. دکتر محمد نقی زاده - دوشنبه ۱ تیر ۱۳۹۴ صحیفه مبین،دوره دوم شماره ۵
۱۵. قرآن مجید، ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، انتشارات بنیاد قرآن و عترت، ج ۲، ۱۳۸۶
۱۶. سید محمد حسین علامه طباطبائی. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، جلد ۳۲، ص ۲۰۹. قم.

## وب سایت های مرجع:

[www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)  
[www.mullasadra.org](http://www.mullasadra.org)  
[www.bhrc.ac.ir](http://www.bhrc.ac.ir)  
[www.memarnet.com](http://www.memarnet.com)  
[www.vu.qhu.ac.ir](http://www.vu.qhu.ac.ir)  
[www.rohama.org](http://www.rohama.org)  
[www.maarefquran.org](http://www.maarefquran.org)  
[www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)  
[www.architects.ir](http://www.architects.ir)

[www.aftabir.com](http://www.aftabir.com)  
[wwwiranboom.ir](http://wwwiranboom.ir)  
[www.news.irib.ir](http://www.news.irib.ir)  
[www.bsnt.modares.ac.ir](http://www.bsnt.modares.ac.ir)  
[www.civilica.com](http://www.civilica.com)  
[www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)  
[www.daneshnameh.roshd.ir](http://www.daneshnameh.roshd.ir)  
[www.bhrc.ac.ir](http://www.bhrc.ac.ir)  
[www.seppidar.ir](http://www.seppidar.ir)



